

اشاره | در دو دهه گذشته، به واسطه ورود آمریکا به غرب آسیا، منطقه دچار تحولات اساسی و بحرانی شد. آمریکا و متحدانش در دو دهه گذشته، تلاش کردند تا رهبرانی را حذف کنند که به دنبال ثبات سازی، امنیت سازی و همگرایی در منطقه بودند. شهید سلیمانی نیز به واسطه این نقش راهبردی از سوی آن‌ها ترور شد، زیرا ثبات و امنیت سازی در جهان و به خصوص منطقه غرب آسیا، سنگ بنای افول هژمونی آمریکا خواهد بود. در واقع، ثبات و امنیت سازی برخلاف منافع آمریکا در منطقه توسط حاج قاسم، افول آمریکا و ائتلاف سازی‌های جدید جهانی را کلید زد.

# نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در تقویت امنیت منطقه غرب آسیا و گذار از نظم تک قطبی

یادداشت



دکتر محسن اسلامی

هیئت علمی روابط بین الملل

دانشگاه تربیت مدرس



## مقدمه

از مهم‌ترین مسائلی که با آن مواجه هستیم، مسئله «دوران گذار» در روابط بین‌الملل است. طی دو دهه‌ای که از قرن بیست و یکم می‌گذرد، در یک «شرایط گذار» به سر می‌بریم. تحلیل‌گران حوزه روابط بین‌الملل، بر این باور هستند که قدرت‌های بزرگ قرن گذشته، دیگر اعتبار خودشان را از دست داده‌اند و یکی از مناطقی که در عرصه جهانی مورد نظر قدرت‌های بزرگ بوده، غرب آسیا یا خاورمیانه است. در دو دهه گذشته، به واسطه تجاوز آمریکا به افغانستان و عراق، غرب آسیا درگیر یکسری تحولات اساسی شد و التهاب شدیدی در منطقه شکل گرفت که در نهایت، یک خیزش و بیداری عربی و اسلامی با نام «بهار عربی» در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، شکل گرفت و به همین دلیل، جای جای منطقه، دچار تحول گشت و باعث شد تا آمریکا، به طراحی سیاست جدید اقدام نماید. ورود نیروهای نیابتی، به ظهور جنگ‌های نیابتی و زمینه‌ساز ایجاد بحران در منطقه توسط آمریکایی‌ها، منجر شد که با کمک رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای منطقه، این پازل تکمیل شد. در این عرصه، جمهوری اسلامی ایران با درک درست از شرایط جدید و شناخت جامع نسبت به اراده مسلمانان منطقه در برابر سیاست آمریکایی و رژیم صهیونیستی، وارد عمل شد. نقش حاج قاسم سلیمانی در مدیریت این عرصه، بسیار مهم است.

## شهید سلیمانی؛ امنیت‌سازی در منطقه و جهان

طی ده سال گذشته در مقابل این جنگ نیابتی و گرایش‌های افراطی، ما شاهد ظهور بحران‌های جدی هستیم و چنانچه این مسئله استمرار می‌یافت، غرب

آسیا پویایی و نشاط خود را از دست می‌داد؛ اما سردار شهید سلیمانی با هوشمندی به انسجام و اتحاد ملت‌های منطقه پرداخت. محورهای مقاومت را در کشورهای متعدد فعال کرد و به واسطه بسیج، توانست صحنه مدیریت جدیدی را خلق کند که به شکست آمریکایی‌ها در منطقه منجر شد. سردار سلیمانی به پویایی‌های درونی کشورها اهمیت داد، بومی‌سازی و استقلال در غرب آسیا را تقویت کرد، در دیگر سو، به کشورهایی که مخالف بحران‌سازی در منطقه بودند، متمایل شد و به واسطه اعتبار بین‌المللی روسیه و چین، این کشورها را وارد بازی کرد و توانست، مدیریت جدیدی در برابر طرح نیابتی آمریکایی‌ها ترسیم نماید؛ یعنی با پیوند پویایی و قدرت برخی کشورها، «ثبات و نظم‌سازی در غرب آسیا» را تقویت کرد و می‌توان اذعان کرد که بزرگ‌ترین نقش سردار سلیمانی در همین پروژه، امنیت‌سازی منطقه و جهانی است.

## یکپارچه‌سازی و همگرایی مقاومت

طی سال‌های گذشته، به واسطه این‌که سردار سلیمانی راهبرد آمریکایی‌ها و رژیم صهیونیستی را شناخته بود و می‌دانست که در چه جهتی حرکت می‌کنند، سیاست‌های مقابله‌ای مؤثر را طراحی و پیاده کرد و به همین دلیل، مورد توجه عموم رسانه‌ها، مجلات و اندیشکده‌ها قرار گرفت و به‌عنوان نماد یکپارچه‌سازی و همگرایی مقاومت در برابر سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا، تبدیل شد و این واقعیت از دل ایمان و تجربه زیاد، نشئت می‌گرفت و معتقد بود که کشورهای اسلامی، خودشان می‌توانند در خصوص امنیت‌سازی و ساماندهی، به موفقیت دست یابند و این، یکی از ویژگی‌هایی بود که سردار سلیمانی به‌عنوان میراث

## رشد اندیشه حاج قاسم در جهان

آمریکا در رویکرد سنتی خود، به دنبال حذف چنین رهبرانی بود و با حذف شهید سلیمانی، نشان داد که هنوز سنت قدیمی خود را دنبال می‌کند و به دنبال حذف فیزیکی افراد تأثیرگذار در منطقه و جهان است. به واسطه ظهور فضای مجازی، تأثیر حذف مانند گذشته نیست. اندیشه شهید سلیمانی در همه جهان رشد کرده و میراث او در منطقه و فراطراز آن مشهود است.

## حاج قاسم و امنیت بین‌المللی

یکی از اقداماتی که شهید سلیمانی برای امنیت بین‌المللی انجام داد، ائتلاف‌سازی جدیدی بود که میان قدرت‌های بزرگ و جمهوری اسلامی ایران شکل داد. امنیت بین‌المللی و جهانی در دوران گذار، نیازمند بازیابی مهندسی قدرت بود که سردار سلیمانی به درستی با ائتلاف با روسیه و چین، شکل داد و به منافع مشترکی دست پیدا کرد و نگاهی تحت عنوان نگاه به شرق، برخلاف گذشته شکل گرفت. برخلاف قرن بیستم که نگاه غربی حاکم بود، الآن این چنین مشهور شده که نگاه بین‌المللی قرن بیست و یکم، نگاه شرقی است و یکی از این مؤلفه‌های تأثیرگذار و دارای اهمیت - که نقش پررنگی در این میان داشته - شهید سلیمانی بوده است و این شهید به واسطه تدبیر و تجربه، توانست این دو کشور دارای قدرت حق و توشورای امنیت را با منافع کشورهای مخالف حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه همراه کند. به هر حال، تغییر از سیاست غرب‌گرا به سمت سیاست بین‌الملل شرق‌گرا، مشاهده می‌شود و نگاه شهید سلیمانی بسیار مؤثر بوده و حتی این نگاه را به ونزوئلا و دیگر کشورهای دنیا داده است.

به کشورهایی که به دنبال آزادی و استقلال هستند، هدیه کرده است.

## نظم‌سازی و ثبات‌سازی

یکی از میراث‌های سردار برای کشورهای منطقه، نظم‌سازی و ثبات‌سازی است و این‌ها به واسطه شناخت درست سردار سلیمانی است که توانست، رهبرانی را در منطقه شناسایی و فعال کند که آنان همانند سردار سلیمانی به این ارزش‌ها پایبند باشند و بعد از چند سال از شهادت ایشان، راه مقاومت را در پیش گیرند. حاج قاسم به درستی نقش کشورهای اسلامی را شناسایی کرده بود و به واسطه این درک درست، سیاست‌های درستی را در مقابل آمریکا انجام داد. همچنین، ما شاهدیم نسخه‌ای که توسط آمریکا تجویز می‌شود، حتی از سوی کشور متحد مانند عربستان نیز رد می‌شود. عربستان سعودی به عنوان کشور متحد کلاسیک آمریکا، در روزهای گذشته، طرف روسیه را می‌گیرد، در حالی که این اتفاق نادر است. ترکیه به عنوان کشور عضو ناتو با تمایلات غیر آمریکایی، به پیش می‌رود. تمایلات قطر به جمهوری اسلامی ایران، از دیگر موارد بوده و همه ناشی از آن است که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و سردار سلیمانی، درست بوده است. سیاست خارجی ماطی ده سال گذشته، مدیون رشادت‌های سردار سلیمانی است. امنیت و ثبات موجود در منطقه، منوط به تلاش‌های ایشان است. ایشان، این پویایی‌ها را به منطقه خاورمیانه رساند، به کشورها هویت داد و از آن‌ها خواست تا در برابر سهم خواهی غیرقانونی آمریکا ایستادگی کنند.



حضور سردار سلیمانی شکل گرفت. در قرن گذشته نیز با قدرت‌نمایی رهبرانی مواجه هستیم که به‌عنوان رهبران مؤثر در سیاست بین‌الملل شناخته می‌شوند. و ایشان، اقتدار سازی و نظام سازی را انجام دادند. سردار سلیمانی به‌واسطه اقتدار کاریزماتیک خود، به ائتلاف جدید قدرت شرق در مقابل غرب منجر شد و افول آمریکا نیز این عرصه را تقویت کرد، لذا امنیت بین‌الملل با گزاره‌های شرقی همراه شد و گزاره‌های غربی کمرنگ شد. اکنون، آن چیزی که میان روسیه و اوکراین می‌گذرد، کاملاً نشان از اقتدار شرق در مقابل غرب است؛ یعنی روسیه و ایران؛ می‌توانند یک بحران در اروپا را مدیریت کنند و غرب، نتوانسته است در مقابل روسیه، موفق عمل کند.

این ائتلاف و مخالفت با غرب، از ابتکارات شهید سلیمانی بود. در جایی مانند لیبی به‌واسطه سیاست آمریکایی‌ها، قذافی حذف شد. روسیه به‌عنوان کشوری که در لیبی حضور داشت و منافع خود را تعریف می‌کرد، متوجه شد که آمریکا، به دنبال این است که قدرت خود را پررنگ کند و بعد از سرنگونی قذافی، شاهد این هستیم که روسیه در مقابل آمریکا و در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد؛ یعنی یک قدرت بین‌المللی، تصمیم می‌گیرد با یک قدرت منطقه‌ای، سعی در تغییر سیاست بین‌المللی بگیرد. بعد از تغییر لیبی و اعتراضی که چینی‌ها و روس‌ها به آمریکا داشتند، سیاست بین‌الملل نیز به دنبال تغییر با محوریت شرق درآمد.

### نقش محوری سردار سلیمانی در افول آمریکا

گزاره جدیدی با عنوان افول آمریکا در نظام بین‌الملل، مطرح شده و این، همان واقعیتی است که به‌واسطه